

اصول روابط بین الملل

تألیف

دکتر هوشنگ عامری



Houshang Āmeri, PhD
Principles of International Relations

First published 1992

Second edition 1995

Third edition 1998

Fourth edition 2002

Fifth edition 2005

© Āgah Publishing House, Tehran

Email: agah@neda.net

عامری، هوشنگ،
اصول روابط بین‌الملل / تألیف هوشنگ عامری - [تهران]: چاپ اول، آگاه، ۱۳۷۰؛
ویرایش پنجم، آگاه، ۱۳۸۴.
۳۸۵ ص.
ISBN 964-329-002-6
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
۱. روابط بین‌الملل. ۲. همکاری‌های بین‌المللی. الف. عنوان.
۱۳۸۱ ۳۰۳/۴۸۳۳
م ۸۱۰



دکتر هوشنگ عامری

اصول روابط بین‌الملل

چاپ اول (ویراست پنجم) پاییز ۱۳۸۴، آماده‌سازی، حروفنگاری و نظارت بر چاپ دفتر نشر آگاه

(حروفنگار نفیسه جعفری، صفحه‌آرایی مینو حسینی)

لیتوگرافی طیف‌نگار، چاپ نقش‌جهان، صحافی دیدآور

تعداد: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.

مرکز پخش: مؤسسه انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، روبه‌روی دبیرخانه دانشگاه، شماره ۱۴۶۸

تلفن: ۶۴۶۷۳۲۳، فکس: ۶۴۶۰۹۳۲

فهرست

۱۱	دیباچه
۱۵	مقدمه
	بخش اول
	رشته روابط بین الملل و سیر تحولات آن
۳۲	فصل اول - تعریف روابط بین الملل: گذشته و حال
۳۶	فصل دوم - سیر تحولات مطالعه روابط بین الملل
۴۴	الف - اندیشمندان ایرانی
۴۴	۱. ابونصر فارابی
۵۰	۲. ابوالحسن عامری
۵۸	۳. ابن سینا
۶۳	۴. خواجه نظام الملک
۷۰	۵. عنصرالمعالی
۷۱	۶. امام محمد غزالی
۷۸	ب - اندیشمندان اروپایی
۷۸	۱. ماکیاوول
۸۴	۲. توماس هابز
۸۸	۳. جان لاک
۹۳	۴. ژان-ژاک روسو
۱۰۰	۵. امانوئل کانت
۱۰۲	۶. مارکس و انگلس

۷. شرق شناسان
 ۱۰۸ فصل سوم - مراحل مختلف مطالعه روابط بین الملل
 ۱۲۰ ۱ - دوره مطالعه تاریخ دیپلماسی
 ۱۲۱ ۲ - دوره مرور وقایع مهم عصر (مسائل بین المللی روز)
 ۱۲۳ ۳ - دوره بررسی جنبه های حقوقی و اخلاقی وقایع بین المللی
 ۱۲۴ ۴ - دوره تجزیه و تحلیل عوامل اساسی و پایدار در سیاست جهانی
 ۱۲۶ فصل چهارم - شیوه های مطالعه روابط بین الملل
 ۱۲۷ ۱ - تقسیم بندی اول
 ۱۳۰ الف - روش متعارف (سستی)
 ۱۳۰ ب - روش علمی
 ۱۳۱ ج - روش چند رشته ای (میان رشته ای)
 ۱۳۳ ۲ - تقسیم بندی دوم
 ۱۳۳ الف - روش تاریخی
 ۱۳۵ ب - روش نظام مند (سازمان یافته)
 ۱۳۶ ج - روش هنجاری
 ۱۳۷ د - روش علم گرا
 ۱۳۸ هـ - روش آمیزگرا نه یا التقاطی

بخش دوم

برخی از مرام های عقیدتی (ایدئولوژی ها)
 یا «ایسم» های مهم و مؤثر در روابط بین الملل

- ۱۴۳ فصل اول - تعریف ایدئولوژی - عصر ایدئولوژی
 ۱۴۸ فصل دوم - ناسیونالیسم و روابط بین الملل
 ۱۵۲ مراحل مختلف ناسیونالیسم
 ۱۶۰ فصل سوم - انترناسیونالیسم
 ۱۷۴ فصل چهارم - آرمان خواهی و واقع گرایی در روابط بین الملل
 ۱۹۰ فصل پنجم - امپریالیسم یا استعمار
 ۲۰۸ فصل ششم - امپریالیسم نو یا تئو امپریالیسم

۱. وابستگان یا تابعان اقتصادی (استعمار اقتصادی) ۲۲۱
۲. اعمار ۲۳۳

بخش سوم

واحد جامعه بین‌المللی و نظام بین‌المللی

- فصل اول - تحولات واحد جامعه بین‌المللی ۲۴۰
فصل دوم - نظام بین‌المللی و ویژگی‌های آن ۲۴۲
فصل سوم - نظر مارکسیست‌ها درباره روابط بین‌الملل و بازیگر اصلی در صحنه بین‌المللی ۲۴۶
فصل چهارم - پیدایش کشور مستقل در روابط بین‌الملل ۲۵۰
فصل پنجم - عناصر تشکیل‌دهنده کشور ۲۵۸
فصل ششم - انواع استقلال کشورها و روابط بین‌الملل ۲۶۳
فصل هفتم - نظریه حاکمیت در روابط بین‌الملل ۲۶۸
۱. پیدایش و تحول مفهوم حاکمیت ۲۶۸
۲. ماهیت حاکمیت ۲۷۱
۳. مقر یا سرچشمه حاکمیت ۲۷۵
الف - حاکمیت سلطان ۲۷۵
ب - حاکمیت قوه قانونگذاری ۲۷۶
ج - حاکمیت مردم ۲۷۶
فصل هشتم - آثار حاکمیت در صحنه بین‌المللی ۲۸۲
فصل نهم - ویژگی‌های جامعه جهانی و تفاوت آن با جامعه داخلی ۲۸۶
فصل دهم - برابری کشورها در روابط بین‌الملل ۲۹۳
فصل یازدهم - قواعد حاکم بر روابط کشورها ۲۹۷

بخش چهارم

سیاست خارجی

- فصل اول - ویژگی‌های سیاست خارجی ۳۰۵
فصل دوم - هدف‌های سیاست خارجی ۳۱۶

۳۲۲	فصل سوم - منافع ملی
۳۲۵	سایر عوامل مؤثر در سیاست خارجی
۳۳۰	فصل چهارم - امنیت ملی
۳۳۳	۱ - نسبی بودن امنیت
۳۳۷	۲ - ذهنی بودن امنیت
۳۳۸	۳ - رابطه میان امنیت و قدرت
۳۳۹	فصل پنجم - عوامل تهدیدکننده امنیت ملی
۳۴۳	فصل ششم - هدف های ملی و سیاست جهانی
۳۵۱	۱ - هدف ها یا ارزش های بنیادی
۳۵۲	۲ - هدف های میان مدت
۳۵۶	۳ - هدف های درازمدت
۳۵۸	فصل هفتم - صلح به عنوان هدف در صحنه سیاست جهانی
۳۶۵	صلح بین المللی و دکترین «جوامع امن»

بخش پنجم

قدرت در روابط بین الملل

۳۶۹	فصل اول - تعریف و ماهیت قدرت
۳۷۴	فصل دوم - ویژگی های قدرت
۳۷۴	۱ - جهانی بودن قدرت
۳۷۴	۲ - ذهنی بودن قدرت
۳۷۷	۳ - نسبی بودن قدرت
۳۷۹	۴ - دو قطبی بودن قدرت
۳۷۹	۵ - غیر قابل اندازه گیری بودن قدرت
۳۸۱	۶ - ناپسند بودن قدرت
۳۸۲	فصل سوم - عناصر تشکیل دهنده قدرت کشور (عناصر قدرت)
۳۸۷	الف. عناصر مادی قدرت
۳۸۷	۱. وضعیت جغرافیایی
۳۹۳	۲. منابع طبیعی

۳۹۶	۳. پیشرفت فنی، صنعتی و اقتصادی
۳۹۹	۴. آمادگی نظامی
۴۰۳	۵. جمعیت
۴۰۵	ب. عناصر غیرمادی قدرت
۴۰۵	۱. خصلت‌های ملی (سجایای ملی)
۴۰۷	۲. روحیه ملی
۴۱۰	۳. کیفیت دولت
۴۱۵	۴. وجهه بین‌المللی
۴۱۸	۵. مرام عقیدتی یا ایدئولوژی
۴۲۰	۶. رهبری و دیپلماسی
۴۲۳	فصل چهارم - شیوه‌های اعمال قدرت
۴۲۷	فصل پنجم - سیاست قدرت
۴۳۹	فصل ششم - توازن قدرت یا توازن قوا
۴۵۳	نتیجه
۴۶۵	منابع
۴۷۳	واژه‌نامه
۴۷۹	نمایه

دیباچه

کتابی که در دست دارید فشرده‌ای از گفتارهای مؤلف طی پاییز سال ۱۳۵۸ خورشیدی در «دانشکده روابط بین‌الملل» وابسته به وزارت امور خارجه است. چکیده‌ای از آن گفتارها در همان زمان به صورت پلی‌کپی تکثیر شد و در دسترس دانش‌پژوهان آن دانشکده قرار گرفت.

این پلی‌کپی که برای کمک به یادگیری مطالب مطرح شده فراهم آمده بود، طبعاً شکل پژوهشی علمی را نداشت و درآوردن آن به صورت رساله‌ای مستند و علمی نیازمند کار و وقت زیادی می‌بود. در تهیه چاپ اول این دفتر ناچار به تصحیح و تفسیراتی چند در آن پلی‌کپی اکتفا شد. چاپ دوم شاهد تغییرات بیشتری بود. تغییر عمده‌ای که در آن دیده می‌شد گسترش قسمت مربوط به «اندیشمندان ایرانی» بود. گذشته از آن کوشیدیم تا تحولات جهان در سال‌های اخیر نیز تا جای ممکن در آن بازتاب یابد.

در چاپ سوم، بخش چهارم کتاب («سیاست خارجی») گسترش یافت و نیز توانستم برخی از آخرین تحولات جهانی را در آن بگنجانم. زحمت ویراست چاپ سوم را دوست ارجمند و فرزانه‌ام منوچهر

مرزبانان یا لطف همیشگی اش تقبل کرد. او با حوصله کتاب را خواند و با مهارت و شکیبایی جمله‌ها را جابه‌جا کرد و شمار زیادی واژه‌های زیبای فارسی را به جای کلمات عربی گذاشت. از لطف فوق‌العاده ایشان نهایت سپاس را دارم.

چاپ چهارم شاهد تغییرات باز هم بیشتری بود. از جمله فصل «سیر تحولات روابط بین‌الملل» بار دیگر گسترش یافت و کوشش شد که کتاب تا جای ممکن به صورت مستندتری در آید. در تغییراتی که در هر چاپ داده شد آن چه بیش از هر چیز مورد نظر بود این بود که این کتاب هر چه بیشتر از صورت ترجمه متون بیگانه خارج شود و به صورت کتابی دلپذیر برای خواننده ایرانی و مرجعی مناسب و سودمند برای دانش‌پژوهان این سرزمین در آید.

بازنگری و ویرایش استادانه چاپ پنجم را مدیون دوست دیرین و دانشمندم ابراهیم مگلا هستم. او تمامی کتاب را با دقت و وسواسی کم‌نظیر خواند و پیشنهادهای فراوان و ارزشمندی برای پاکیزه‌تر و روان‌تر شدن متن کرد که همه آن‌ها در چاپ تازه منعکس است. بدون ویرایش ایشان کتاب حاضر خطاها و کاستی‌های بیشتری می‌داشت و مسلماً از روانی کمتری برخوردار می‌بود. از محبت‌های او صمیمانه متشکرم و دریغ می‌خورم که هرگز قادر به جبران زحماتش نخواهم بود. زحمت آخرین بازخوانی کتاب را دوست فرهیخته و عزیز، و همکار ارجمند دیرینم فریدون مجلسی تقبل نمود و با پیشنهاد اصلاحاتی برای روان‌تر کردن متن مرا مرهون لطف خود کرد.

همانطور که در دیباچه چاپ‌های پیشین گفته شد، رشته روابط بین‌الملل در کشورهای مختلف و گاه حتی در دانشگاه‌های یک کشور به شیوه‌های گوناگون تدریس می‌شود. سبکی که در تنظیم این کتاب به کار رفته و نیز قسمت عمده مطالب آن برگرفته از متون درسی رشته روابط بین‌الملل دانشگاه‌های امریکایی است.

چنان که می‌دانیم، اولین کرسی روابط بین‌الملل در ۱۹۱۹ در دانشگاه ویلز^۱ (بریتانیا) پایه‌گذاری شد ولی تنها پس از جنگ جهانی دوم و آن هم در دانشگاه‌های ایالات متحد آمریکا بود که مطالعه علمی روابط بین‌الملل به‌طور جدی آغاز گردید. از این رو، روابط بین‌الملل در واقع دانشی آنگلو-ساکسون و بهتر بگوییم امریکایی تبار است — به‌خصوص که حتی هنوز هم آن‌چه تحت عنوان روابط بین‌الملل در سایر کشورهای پیشرفته غرب تدریس می‌شود در واقع شمه‌ای از تاریخ معاصر است.

لذا باید تأکید کرد که این کتاب، مانند تقریباً تمامی آثار مشابه، به مقدار زیادی از چند کتاب «کلاسیک» امریکایی موجود در این رشته نه تنها تأثیر پذیرفته بلکه مضمون‌های بسیاری را به وام گرفته است. کتابی که در «اصول روابط بین‌الملل» بحث می‌کند نمی‌تواند جز این باشد.

پوشیده نیست که هیچ کتاب یا رساله‌ای در موضوعی چنین گسترده — به‌ویژه بدین اختصار — نمی‌تواند جامع و تازه بوده و یا پاسخگوی همه پرسش‌ها باشد.

امید است خوانندگان گرامی کمبودهای این کتاب را به دیده اغماض بنگرند، ولی با راهنمایی‌های خود، به رفع آن‌ها کمک کنند. باشد که در چاپ‌های بعدی حتی الامکان به صورت بهتر و جامع‌تری در دسترس دانش‌پژوهان و سایر علاقه‌مندان قرار گیرد.

از آقای حسین حسینخانی، مدیر فرهیخته انتشارات آگاه، که هم تغییرات مکرر در این کتاب را با روی باز پذیرفته و هم تحمل و سواس مرا در طول سال‌ها کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم. ارزش کوشش مداوم ایشان برای انتشار کتاب‌های ارزشمند به سبک امروزی، برای جامعه ما برآورد شدنی نیست.

هوشنگ عامری

مقدمه

روابط بین‌الملل، به معنای اعم، رشته بسیار وسیعی است که طیف گسترده‌ای از روابط — از سیاسی گرفته تا اقتصادی، فرهنگی، تجاری و جز این‌ها — را دربر می‌گیرد.

در حال حاضر، بیش از ۱۹۰ کشور وجود دارند که با یکدیگر و نیز با سازمان‌های مختلف بین‌المللی روابط دوجانبه و چندجانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تجاری و غیره دارند. از آن‌جا که مطالعه مجموعه این روابط ناممکن است، برای مطالعه این رشته ناگزیر به محدود کردن آن به شیوه‌های گوناگون هستیم.

یکی از طرق محدود کردن این رشته تکیه بر جنبه سیاسی روابط بین‌الملل^۱ یا در واقع مطالعه «سیاست بین‌الملل»^۲ به جای «روابط بین‌الملل»^۳ است. البته، به هر حال، باید به سایر جنبه‌های روابط بین‌الملل نیز همواره توجه داشت؛ زیرا نادیده گرفتن سایر جنبه‌ها نه ممکن است و نه صحیح.

۱. یعنی سیاست بین‌الملل را اخص از روابط بین‌الملل دانستن.

2. International Politics

3. International Relations

معمولاً با انتخاب یکی از روش‌های متداول در مطالعه روابط بین‌الملل نیز به محدود کردن و قابل مطالعه ساختن این رشته کمک می‌کنند.

در برخی از کشورها، مطالعه روابط بین‌الملل را به بیان شمه‌ای از تاریخ روابط بین‌الملل از جنگ جهانی دوم به این سو، محدود می‌کنند. این روش در بسیاری از دانشگاه‌های کشورهای اروپایی متداول است. در بعضی از دانشگاه‌ها — به‌ویژه بسیاری از دانشگاه‌های بریتانیا — برای مطالعه روابط بین‌الملل تعدادی از مسائل امروزی روابط بین‌الملل (مثل جنگ سرد، مسئله خاورمیانه یا اختلافات اعراب و اسرائیل، اثرات توسعه اتحادیه اروپا، پدیده «جهان سوم»، بی‌طرفی و عدم تعهد، خلع سلاح، مذاکرات شمال و جنوب، اثرات توسعه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، مطالعه سیاست خارجی کشورهای مختلف و غیره) را برمی‌گزینند و با مطالعه آن‌ها راه و روش تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به روابط بین‌الملل و خصوصیات مشترک معضلات بین‌المللی را به دانشجویان می‌آموزند.

روش متداول دیگر در برخی از دانشگاه‌ها — به‌ویژه دانشگاه‌های ایالات متحد آمریکا — تدریس یک رشته اصول اساسی پیرامون روابط بین‌الملل است که از مطالعه مسائل مختلف و نیز تجربه و ممارست به‌دست آمده است. این روش مبتنی بر این باور است که درک درست روابط بین‌الملل، بیش از هر چیز، اصول و کلیاتی لازم دارد تا انبوه اطلاعاتی که در دسترس است در چارچوب آن اصول و کلیات منظم و مرتب و قابل فهم گردد.

در مطالعه روابط بین‌الملل، قبل از هر چیز، باید بر تفاوت بنیادی میان جامعه بین‌المللی و جامعه داخلی تکیه کرد. این تفاوت در واقع از شکل رابطه میان جامعه بین‌المللی و اعضای آن (یعنی کشورها) از یک سو، و جامعه داخلی و اعضای آن (یعنی افراد

و گروه‌های مختلف) از سوی دیگر، سرچشمه می‌گیرد. در جامعه بین‌المللی قدرتی که واقعاً مافوق اعضا و یا به اصطلاح آبرملی^۱ باشد وجود ندارد. در صورتی که در جامعه داخلی قدرت دولت معمولاً برتر از قدرت تمام اعضا و اجزای جامعه است. پس تفاوت عمده در این مقایسه وجود قدرت برتر در جامعه داخلی است.

غالباً می‌پندارند که امور بین‌المللی با امور داخلی ارتباط زیادی ندارد. ولی حقیقت این است که این بستگی، به‌ویژه در دوران جدید، بیش از پیش افزایش یافته و ارتباط مستقیم و بسیار نزدیکی بین این امور به وجود آمده است — تا جایی که امروزه در عمل دیگر نمی‌توان سیاست داخلی یک کشور را از سیاست خارجی آن جدا کرد. مثلاً تأمین نیازهای دفاعی یک کشور از سویی به فراهم بودن منابع مالی داخلی بستگی دارد و از سوی دیگر دارای ارتباط مستقیم با وجود یا عدم تهدید خارجی است. به همین نحو، تعیین میزان دستمزد در داخل یک کشور با تجارت خارجی آن کشور ارتباط بی‌واسطه دارد، زیرا بهای تمام‌شده کالاها غالباً عامل تعیین‌کننده موقع یک کشور در رقابت‌هایی است که در بازارهای جهانی جریان دارد.

رفتار کشورها را در صحنه بین‌المللی نمی‌توان تنها از دیدگاه فضای سیاست خارجی توجیه کرد، بلکه باید مقتضیات و اوضاع و احوال داخلی را، که طراحان سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نیز مورد توجه قرار داد. رفتار کشورها تنها برآیند واکنش در مقابل فضای سیاسی خارجی نیست، بلکه بازتاب ارزش‌ها و نیازهای مردم و برداشت رهبران از سیاست‌های داخلی و خارجی کشور نیز می‌باشد. جنگ‌ها، اتحادها، مانورهای سیاسی، انزواگرایی و سایر نمودها یا جلوه‌های سیاست خارجی را باید از زاویه افکار عمومی، فشارهای

۱. Supranational (این واژه را به «فرا ملی»، «فراملشی»، «مافوق ملی» و «زیرملی» نیز ترجمه کرده‌اند).

سیاسی داخلی، ایدئولوژی ملی، نیازهای اقتصادی و اجتماعی و مانند این‌ها نیز بررسی کرد. به سخن دیگر، سیاست خارجی نتیجه کنش متقابل عوامل گوناگون داخلی و خارجی است.

تمام رویدادهای بین‌المللی لزوماً موضوع مطالعه روابط بین‌الملل نیست. مثلاً یک مسابقه ورزشی بین‌المللی یا حتی واقعه‌ای فرهنگی مانند تشکیل یک نمایشگاه بین‌المللی یا نظایر آن، گواهی می‌دهد که با شرکت دول یا ملت‌های مختلف سر می‌گیرد، با این‌همه از دیدگاه رشته روابط بین‌الملل جالب توجه نیست. برای این‌که بدانیم چه اموری از نظر علم روابط بین‌الملل جالب توجه است کافی است ببینیم این یا آن موضوع تا چه اندازه بر جامعه بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. یعنی چنانچه موضوعی در جامعه بین‌المللی آشکارا اثر بگذارد، آن موضوع از دیدگاه روابط بین‌الملل درخور مطالعه است. بنابراین، نه تنها روابط میان دول، بلکه روابط میان افراد و گروه‌ها نیز ممکن است موضوع مطالعه روابط بین‌الملل باشد. — مانند روابط احزاب سیاسی در سطح بین‌المللی یا روابط میان کلیساهای مختلف و نیز تصمیمات شرکت‌های عظیم چندملیتی، سرمایه‌گذاران بزرگ و یا بانک‌های عمده جهانی، روابط میان رهبران و غیره. حتی موضوع‌هایی که به‌زعم بعضی از کشورها صرفاً جزو امور داخلی است، چه بسا که از سوی برخی دیگر از کشورها به عنوان مسائل بین‌المللی تلقی شود. سیاست «جدایی‌نژادی»^۱ دولت

آفریقای جنوبی نمونه بسیار خوبی از این مسائل بود. نکته‌ای که اشاره به آن در این جا لازم است اهمیت فراوان مفهوم «قدرت» در هر نوع رابطه، به‌ویژه در روابط بین‌المللی، است. البته در مورد قدرت که در واقع مهم‌ترین «موضوع» یا «مضمون» روابط بین‌الملل است به‌جای خود به تفصیل سخن خواهیم گفت. اینک تنها به این نکته

اشاره می‌کنیم که اهمیت قدرت در روابط بین‌الملل بقدری است که پیروان برخی از مکاتب «قدرت» را تنها عامل سرنوشت‌ساز در این روابط دانسته‌اند.

از دیگر ویژگی‌های مهم علم روابط بین‌الملل، که باید همواره در نظر داشت، این است که روابط بین‌الملل، همانند سایر علوم اجتماعی، از علوم دقیقه^۱ نیست. از این رو، مسائل مربوط به روابط بین‌الملل را — برخلاف مباحث علوم دقیقه — نمی‌توان با دقت سنجید و یا به‌طور دقیق دربارهٔ آن‌ها به پیش‌بینی پرداخت.

برخی معتقدند که چون علم روابط بین‌الملل در تجزیه و تحلیل مسائل باید ناچار از رشته‌های مختلف کمک بگیرد، اصولاً نمی‌تواند رشتهٔ تحصیلی یا دانشگاهی مستقلی باشد. این نظر البته موافق و مخالف زیادی دارد. آنچه در هر حال حائز اهمیت است — چه آن را مستقل بدانیم و چه ندانیم — این است که در تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به روابط بین‌الملل ناگزیریم دست‌کم از رشته‌هایی مانند علوم سیاسی، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی، حقوق و مانند آن‌ها کمک بگیریم. از همین روست که یکی از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل در تعریف «متخصص روابط بین‌الملل» می‌گوید او کسی است که آرزو می‌کند کاش قدری بیشتر از تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و مردم‌شناسی آگاهی داشت؛ و کاش قدری بهتر مسائل اقتصادی، سیاسی و حقوقی را می‌فهمید.

نکتهٔ دیگری که باید به خاطر سپرد تفاوت میان روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل است — به‌ویژه آن‌که «امروزه در جامعهٔ بین‌المللی حقوق کم‌وبیش بازیچهٔ سیاست است و سیاست‌ها حاکم بر حقوق»^۲ یا

1. Exact Sciences

۲. ضیایی بیگدلی، دکتر محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، صفحه ۱۵۸.

به گفته کوینسی رایت^۱: «حقوق بین الملل پیوسته تابع سیاست بین الملل است.»^۲ برای روشن تر شدن موضوع شاید بهتر باشد بگوییم که روابط بین الملل و حقوق بین الملل را باید در دو سطح مختلف قرار داد و مطالعه کرد: زیرا موضوع مورد مطالعه حقوق بین الملل این است که کشورها تا چه حد مقررات و ضوابط حاکم بر جامعه بین المللی را رعایت می کنند یا نمی کنند. در صورتی که علم روابط بین الملل به مطالعه آن چه که در این جامعه رخ می دهد می پردازد و به این که آن وقایع با مقررات و ضوابط می خوانند یا نمی خوانند توجه ندارد. به سخن دیگر، علم روابط بین الملل در واقع مطالعه این است که کشورها در صحنه بین المللی چگونه عمل می کنند، نه این که چگونه باید عمل کنند. از این رو، بسیاری از رویدادهایی که از دریچه ضوابط حقوق بین الملل قابل درک و یا توجیه نیستند، به مدد اصول روابط بین الملل دست کم قابل فهم و کمابیش توجیه پذیرند. حاصل سخن آن که اساس کار در حقوق بین الملل بر ضوابط و مقررات است، در صورتی که در روابط بین الملل اساس کار واقعیاتی است که در آن ها نقش عمده را قدرت بازی می کند.

روابط بین الملل، به معنای اعم آن، از همان آغاز پیدایش ملل و دول مختلف وجود داشته و صدها سال است که درباره آن تأمل کرده و مطالبی نوشته اند. ولی روابط بین الملل به عنوان یک رشته علمی در ربع اول قرن بیستم به وجود آمد، و اولین کرسی روابط بین الملل — که البته بیشتر جنبه مطالعه تاریخ روابط بین الملل را داشت —

1. Quincy Wright (1890-1970)

۲. حقوق بین الملل حتی در شرایط عادی یارای مقاومت در برابر زور را ندارد. به سخن دیگر، حقوق بین الملل، چون فاقد بازوی اجرایی است که بتواند رعایت موازنش را تأمین کند، پیوسته ناتوان است. به ویژه زمانی که منافع قدرت های بزرگ در میان باشد، حقوق بین الملل جز عقب نشینی چاره ای ندارد. یا همان طور که هابز نوشته است: «میشاق های بدون شمشیر فقط کلماتی هستند بدون قدرت لازم برای تأمین امنیت.» (لویاتان، صفحه ۲۲۳).

در سال ۱۹۱۹ در دانشگاه ویلز (بریتانیا) پایه گذاری شد.

این واقعیت که رشته روابط بین الملل در آن مقطع زمانی به وجود آمد به هیچ وجه اتفاقی نبود؛ زیرا در آن هنگام رویدادهای بین المللی گوناگونی در تکوین بود که موجبات پیچیده تر شدن روابط بین المللی را فراهم می آورد.

برخی از آن وقایع، که از سال های نخستین قرن بیستم آغاز شد، به طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. پراکنده شدن مراکز قدرت و عدم تمرکز آنها در اروپا؛
۲. ظهور علم و تکنولوژی به عنوان عوامل مهم و مؤثر در روابط بین الملل؛
۳. ادامه پیشرفت در جهت ایجاد و تقویت سازمان های بین المللی گوناگون؛
۴. از هم پاشیدن امپراتوری های استعماری و به وجود آمدن تعداد زیادی کشور مستقل (که مآلاً به ایجاد یک نیروی سوم از کشورهای در حال توسعه و تازه استقلال یافته انجامید)؛
۵. کم رنگ شدن تدریجی برخی از تفاوت های قدیمی میان جنگ و صلح (به وجود آمدن پدیده هایی مانند جنگ سرد، «جنگیدن به دست دیگری»^۱، محلی یا منطقه ای شدن جنگ، و غیره).

به عقیده برخی از دانشمندان، از جمله هانس مورگنتا^۲، مهمترین عاملی که در روابط بین الملل اثر گذارده، پیدایش جنگ افزارهای هسته ای در زرادخانه های کشورهای بزرگ است. به عقیده او دسترسی به نیروی هسته ای و به کار گرفتن آن به عنوان وسیله ای در خدمت سیاست خارجی، تنها انقلابی است که روابط بین الملل از آغاز تاریخ

تاکنون به خود دیده است؛ زیرا نیروی هسته‌ای ماهیت جنگ را، که وسیله‌ای برای رسیدن به هدف‌های سیاست خارجی دولت‌ها به‌شمار می‌رفت، به طرزی تصورناپذیر دگرگون کرده است، چون اگر جنگ هسته‌ای بزرگی درگیرد، احتمالاً برنده‌ای بر جای نخواهد ماند.

از آن‌چه گفته شد باید چنین نتیجه گرفت که پیچیدگی‌های روابط بین الملل، یعنی این نکته که در هر مسئله بین‌المللی عوامل گوناگون و گاه بی‌شماری دخالت دارند و تأثیر می‌گذارند، باعث می‌شود که برای این نوع مسائل نتوان راه‌حل‌های ساده یافت؛ وانگهی رویدادها و راه‌حل‌ها در روابط بین‌الملل نمی‌توانند قابل محاسبه و یا قابل پیش‌بینی دقیق باشند. با چنین نتیجه‌گیری البته این سؤال پیش می‌آید که پس فایده مطالعه روابط بین‌الملل چیست و چه حاصلی می‌تواند داشته باشد. در پاسخ باید گفت که فایده مطالعه روابط بین‌الملل، به‌ویژه فراگرفتن یک رشته اصول اساسی ناظر بر آن، این است که ما قادر خواهیم شد در مورد مسائل بین‌المللی به‌طور علمی‌تر و همچنین واقع‌بینانه‌تری داورى کنیم و آن مسائل را با روش‌های بهتر و نظام‌مندانه‌تری مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

چنین برداشتی به‌خصوص به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورهای مختلف و مطالعه و درک «امکانات» و «محدودیت»های کشورهای گوناگون کمک می‌کند. هر کشوری را که در نظر بگیریم — اعم از بزرگ و کوچک، دارا و ندار، توانمند و ناتوان، پیشرفته و عقب‌مانده — بی‌گمان در چارچوب محدودیت‌هایی عمل می‌کند و هیچ کشوری نیست که از آزادی عمل کامل برخوردار باشد.

واقعیت این است که وجوه سیاست خارجی هر کشور (سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره) به‌وسیله عوامل بسیار زیاد و از جمله تعهدات بین‌المللی (یعنی عضویت در سازمان‌های مختلف و یا پیوستن به قراردادهای گوناگون دوجانبه و چندجانبه) به‌طور چشم‌گیری محدود

می‌شود، و همان‌گونه که گفته شد، هیچ کشوری از آزادی عمل کامل در صحنه بین‌المللی برخوردار نیست.^۱

در نتیجه هر کشور ناچار است برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل بین‌المللی یا سیاست خارجی خود همواره آن عوامل را در نظر گیرد. مهم‌ترین عوامل مؤثر در سیاست خارجی هر کشور به شرح زیر است:

۱. اوضاع و احوال بین‌المللی؛
۲. اوضاع و احوال داخلی؛
۳. موقعیت و نقش کشور در صحنه بین‌المللی؛
۴. چگونگی و میزان قدرت و توانایی کشور (آمادگی نظامی، موقعیت جغرافیایی، سازمان سیاسی، پیشرفت اقتصادی و تکنولوژیک و غیره)؛
۵. حقوق بین‌الملل و ارزش‌ها و اخلاق بین‌المللی؛
۶. خصلت‌های ملی؛
۷. افکار عمومی (داخلی و بین‌المللی)؛
۸. نوع حکومت؛
۹. مرام عقیدتی یا ایدئولوژی حاکم؛
۱۰. گرایش‌های ملی‌گرایانه یا ناسیونالیسم؛
۱۱. گروه‌های صاحب نفوذ (گروه‌های فشار)؛
۱۲. شخصیت و وجهه رهبران ملی و تصورات آن‌ها از دنیای خارج.

از آن‌چه گفتیم می‌توان چنین نتیجه گرفت که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی و دیپلمات‌ها نه تنها باید از امکانات، تعهدات و وابستگی‌های کشور خویش بلکه همچنین از تعهدات، وابستگی‌ها و امکانات داخلی و خارجی سایر کشورها آگاه باشند تا بتوانند مسائل را

۱. برای توضیح بیشتر، ر. ک. به:

Frankel, J., *International Politics*, Penguin Press, London, 1969, pp. 175-197.

آگاهانه تجزیه و تحلیل کرده و درباره آن‌ها در حد خود تصمیم بگیرند. در جهان امروز تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی باید بکوشند بر دگرگونی‌های عظیم سیاسی و استراتژیک که در حال تکوین‌اند تا جای ممکن پیشی گرفته یا به پیشواز آن‌ها بروند. به تماشای این دگرگونی‌ها نشستن و نسبت به آن‌ها واکنش نشان دادن به هیچ وجه کافی نیست.

بنابراین پیداست که وظیفه اصلی دستگاه دیپلماسی جمع‌آوری اطلاعات گوناگون است درباره هدف‌های سیاست خارجی، طرز تفکر رهبران و مردم، امکانات و هدف‌های نظامی، سطح تکنولوژی، امکانات اقتصادی، و اوضاع فرهنگی کشور محل مأموریت تا آن‌جا که بتواند تصویر کمابیش روشنی از آن کشور بدست دهد. اهمیت گردآوری اطلاعات بیشتر از این جهت است که قدرت امری نسبی است و برای ارزیابی آن و تصمیم‌گیری درباره سیاست خارجی باید از قدرت و امکانات کشورهای دیگر نیز آگاه بود. گذشته از این، بهبود و تحکیم روابط سیاسی میان دو کشور، جست‌وجوی امکانات جدید اقتصادی و بازرگانی، توسعه روابط تجاری و سرانجام آگاه ساختن رهبران ملی و دولت متبوع از آن‌چه در کشور محل مأموریت می‌گذرد نیز جزو وظایف عمده در دستگاه دیپلماسی هر کشور است. به حق گفته‌اند که مأموران سیاسی چشم و گوش دولت خود در کشور محل مأموریت‌اند.

همان‌گونه که رهبری و توان نظامی در میزان قدرت هر کشور و پیشبرد هدف‌های ملی در زمان جنگ مؤثر است، کارایی دیپلماسی نیز در پیشبرد هدف‌های سیاست خارجی و جلب حمایت سایر دولت‌ها از سیاست‌های کشور، چه در دوران صلح و چه در زمان جنگ، مؤثر بوده و می‌تواند موجب افزایش قدرت ملی در عرصه بین‌المللی شود.

بدین ترتیب، روشن است که نماینده سیاسی هر دولت که به کشور دیگری اعزام شده تا منافع دولت خویش را در آن کشور حفظ کند، باید اطلاعات گسترده و فراگیری در زمینه‌های نظام اجتماعی، سیاست‌های

اقتصادی، مشی سیاسی، مراحل تصمیم‌گیری، ایدئولوژی احزاب سیاسی و گروه‌های صاحب نفوذ، نقش رسانه‌های گروهی، و سایر عوامل اثرگذار در تعیین سیاست خارجی و داخلی و همچنین وابستگی‌های کشور میزبان به سازمان‌های بین‌المللی، قراردادهای مختلف و مانند این‌ها داشته باشد تا بتواند وظیفه خود را به نحو دلخواه انجام دهد.